

توجه به معیشت وکلای جوان اولین اولویت برنامه ریزی کانون ها

وکیل دکتر رضا مقصودی

در این زمانه که هر کس از دریچه تنگ منافع خود به دنیا و دیگران می نگرد و در آشوب بی امان بد اخلاقی و افول کرامت انسانی و عسرت و سختی ارتزاق که اعاشه را دشوار ساخته و بر اثر آن ارزش های انسانی در مسلخ تامین نیازهای مادی و گذران آبرومند زندگی رنگ باخته و انسانها برای بقاء، در تنازع و کشمکشی دائمی با یکدیگر افتاده اند و مفاهیم گرانسنگی چون فضیلت اخلاقی و سعادت بشری که همه فلاسفه و بزرگان و مصلحان اجتماعی از افلاطون تا حال گوهر عمر و حیات ارزنده خود را وقف تبیین و تثبیت آن کردند، در ابتدائی ترین نیازها یعنی تامین "نان" به وادی نسیان و غفلت سپرده شده و آدمیان برای رسیدن بدان گوهر وقت را در تیرگی دائم دویدن و نرسیدن و سرگستگی و تکاپوی لاینقطع از کف داده و لختی آرام نمی گیرند تا در دل خاک آرام گیرند و در عصری که "تنهایی" بزرگترین دغدغه انسان معاصر شده و اضطراب، تشویش خاطر و نگرانی و استرس چون خوره روح آدمیان را بتدریج و در انزوا می تراشد و در عصری که مفاهیمی چون عشق، مهربانی، گذشت، احسان، ایثار، فداکاری، دستگیری، همدردی و همراهی متاع نایاب این کهنه بازار شده و همه و همه قربانی این اولین اولویت (اعاشه) شده اند، وکیل دادگستری نیز از این آسیب و گزند مصون و مستثنی نیست.

برای اعتلای نهاد وکالت و ارتقاء سطح علمی- اخلاقی وکیل دادگستری و نشان دادن آن بر مسند و جایگاه واقعی خویش و ایفای رسالت سنگین و نقش مصلحانه اش در اجتماع با همه ابعادش و تحقق تلاش جهت احقاق حقوق مردم و تثبیت عدالت قضائی و دفاع از ودیعه اسلافمان که همان استقلال وکیل و نهاد وکالت است، می بایست به اولین و ابتدائی ترین نیاز وی یعنی "اعاشه" و "غم نان" پاسخ مقتضی و موثر داد و این دغدغه ها را از ذهن و روح وکیل زدود. وقتی او از تامین ابتدائی ترین نیازهای یک زندگی شرافتمند عاجز است و در تنازع و تکاپویی دائم بین حفظ حرمت انسانی و شان حرفه ای وکالت با گذران آبرومند زندگی و در ساده ترین مفهوم تامین "نانش" شبانه روز در کشمکش و مبارزه است، توقع ایفای نقش مصلح اجتماعی داشتن از وی امری محال و گزاف جلوه می کند. چرا که بسختی می توان انتظار داشت قدرت پیروز در این نبرد ارزش های اخلاقی و شئون والای وکالت باشد. همچنان که می بینیم نیست! "کاد الفقر ان یكون کفرا"

در چنین احوالی وکیل دادگستری بین دو نیرو و دو کشش در تقابل و تضاد دائم است. از یک سو آموزه های اخلاقی، کرامت انسانی و نقش اصلاحی که حرفه اش به او تحمیل کرده، اقتضا دارد برای آزادی مردم اسارت خویش و برای حیات و آرامش و تسکین آنان، بی سامانی و حتی مرگ خویش را انتخاب کند و از سوئی ضرورت برخورداری از زندگی شرافتمندانه و درخور

شان وکیل و دغدغه تامین معاش، او را وادار به قبول پرونده با هر شرائطی می سازد. شرائطی که در آن همه آن خصائل ارزنده رنگ می یازد و مع الاسف همچنان که می بینیم نیروی پیروز در این نبرد نوعاً دومی است.

در این دوراهی محال وکیل ناگزیر از دو انتخاب است: یا تسلیم را تمکین کرده و به هر قیمت و با هر ترفند و وسیله ای پرونده را قبول کند، با کارچاق کن و دلال و واسطه در هر شکل و نوعش به هر شکل و نوعی توافق کرده و عزت و غرور خود را در این قمار ببازد، به انواع و اقسام حیل از تضمین نتیجه دعوی گرفته تا ترویج هنجارشکنی و تبلیغات بی شرمانه ای چون طلاق تضمینی در چند ساعت و از تبانی با طرف دعوی گرفته تا امیدوار نمودن موکل به امور واهی دست یازد و یا می بایست برای تامین معیشت به هر وسیله ای چون رانندگی آژانس مسافری و یا نگهداری شبانه فلان کارخانه متمسک شده و یا کنج عزلت اختیار کرده، گوهر ازرنده اخلاق و شرف و دفاع از حق را که برای حراست و پاسداریش قسم یاد کرده، چون شعله ای سوزان در دست حفظ کرده و عسرت معیشت و حفظ شرف و مناعت طبع و کرامت نفس را بر کشیدن نقش مار و تدلیس ماشطه و عز و نعمت و جاه ترجیح دهد. اموری که تصور آن از تصدیقش دشوارتر و توالی فاسد آنها روشن تر از آنست که حاجت به بیان و استدلال داشته باشد!

این همه برای آن گفتیم که ارباب قدرت و مصادر تصمیم گیری در کانون ها می بایست این ضرورت و اضطراب را با گوشت و پوست و خون خویش درک کنند که هر تلاشی برای رسیدن به هر هدف در هر سطح و به هر میزان والا و مقدس در کانون و دویدن خون حیات و حرکت و تپش و زایش در رگها و اندام این نهاد پرثمر و بی بدیل، بدون توجه و برآوردن این بدیهی ترین نیاز و بدون تدبیر در سامان بخشیدن به اوضاع مالی و مادی طبقه وکلاء، رنج بیهوده و سعی بی فایده و عقیم و یا حداقل در خوش بینانه ترین حالات کم فروغ و کم اثر است!

این از بدیهیات و وجدانیات است و نیاز به استدلال ندارد و بقول منطقیون صرف تصور آن برای تصدیقش کافی است که در زمینه حمایت ها و تأمینات اجتماعی، نهاد وکالت و وکلا از ضعیف ترین و مظلوم ترین طبقات جامعه هستند. علیرغم نام پرآوازه

و دهان پرکن در نگاه عامه، شاهدیم که اولین و بدیهی ترین تأمینات و رفاهیات اجتماعی از ایشان دریغ شده است. سازمانها و نهادهای مختلف برای کاهش سطح آسیب های اجتماعی اعضای طبقه خود، امکانات، تمهیدات و تدابیر متنوع و متعددی را وضع و اعمال نموده اند. از پیش بینی مسکن و تسهیلات و اقامتگاههای تفریحی - رفاهی و تخفیفات متنوع ارزاق و پوشاک و انواع وام های کم بهره گرفته تا پوشش های درمانی - بهداشتی - بالینی و بیمه ای، و وضع بازنشستگی و از کارافتادگی و ... می دانیم بخش عمده ای از دغدغه ها و مخارج زندگی امروزی مصروف همین تأمینات است. حال به ما بگوئید در این

قسمت چه حمایت و دستگیری از وکیل شده است؟ برآستی طیف وارسته، عزت مند و منیع الطبع وکیل از کدام برنامه، تمهید اجتماعی و تسهیل در امور معیشتی بهره مند است؟ آیا حرفه پرتش و دشوار وکالت که دائماً اعصاب و روان را درگیر خود ساخته، پیش و بیش از سایر مشاغل شایسته و سزاور چنین حمایت‌هایی نیست؟ آیا حال ما شبیه آن فرد طوفان زده تنها و محبوس در جزیره ای از چهارسوی محدود و محصور به آب نیست که می بایست همه نیازها، حوائج و ضروریات بقاء و حیات خود را شخصاً تأمین نموده و در عین حال با اقسام ناملایمتی، خشونت و قهر عوامل مختلف زیست محیطی مبارزه کند و همزمان در اندیشه تدارک زورقی شکسته و تخته پاره ای برای رهائی باشد؟!

و آیا در این شرائط سخت و پرعسرت معیشتی که اندیشه و وقت وکیل درگیر رفع احتیاجات اولیه زندگی است، توقع ایفای نقش مُصلح اجتماعی از وی، منصفانه و واقعی است؟ و آیا یک تکلیف شاق و مالایطاق نیست؟ آیا هم سلکان و اسلافمان در سالهائی که اثرگذار بودند و جریانات و اصلاحات اجتماعی مرهون زحمات و آثار ایشان بود، در تضییقاتی شبیه شرائط امروزی بودند؟

بنظر می رسد در وانفسای وضع حاضر کانون ها می بایست با تشکیل اتاق فکر قوی در این راستا اقدام به برنامه ریزی فوری و عملی نموده و اندکی به نظام مند شدن وضعیت معیشتی وکلاء و تضمین حداقل درآمد برای ایشان اقدام نمایند.

حال که از بیرون امید یاری نمی رود. آنانکه باید دستمان را بگیرند، سیلی می زنند. کسانی که باید یاریمان کنند، سد راه می شوند. این طبقه فاخر و عناصر ارزنده جامعه را پنهان و پیدا می کوبند، می رانند، ذهنیت منفی می سازند و سرزنش می کنند. در سیاست های رسانه ای بخوبی از آنها یاد نمیشود. از اعمال ناروا و خلاف اخلاق برخی اعضاء قاعده کلی برای تکفیر همگان ساخته و ذهن و روح جامعه را بی اعتماد و سست و محتاط می کنند، و دهها و صدها درد لاعلاج دیگر....

ما خود می بایست موضع و نگاهمان را از آسیب شناسی بیرونی که همواره دیگران را عامل بازدارنده و مانع پیشبرد اهداف وکالت و استقلال وکیل دانسته ایم و برای حراست از این گوهر ارزنده بحق همت و توان بالائی مصروف داشته ایم، کمی بسمت آسیب شناسی از درون برگردانیم و از همه امکانات و توانی که در اختیار کانونهاست برای اعتلا و عزتمند کردن زندگی معیشتی وکیل خاصه وکلای جوان بهره جوئیم .

پیشنهادهات :

۱- اعتماد سازی

استفاده از همه قابلیت‌ها و ظرفیت‌ها در جلب اعتماد و اطمینان سازی افکار عمومی نسبت به وکیل و تقویت و ترمیم صفات ارزشمندی چون امانتداری و رازداری که سالیان دراز بدست دشمنان دانا و دوستان نادان آسیب دیده و مخدوش شده از جمله با گسترش خدمات حقوقی و معاضدتی در سطوح و لایه های مختلف اجتماع. (جهت جذب هدفمند موکل)

۲- فرهنگ سازی

آموزش و القاء و تفهیم نقش ممتاز و اصلاحی وکیل در اجتماع و مسئولیت ذاتی وی در احقاق حق و یاور مظلوم و خصم ظالم بودن و تقویت روحیه امانتداری، معاضدتی و احسان و نیکوکاری در وی. (جهت تقویت روح دفاع مطلوب از حقوق موکل)

۳- دخالت در فرایند هدایت و ارجاع پرونده

بعد از دو مقدمه بالا و بعنوان حلقه تکمیلی و نتیجه قهری آن، مشارکت و مدیریت در اعلان، هدایت، ارشاد و معرفی و ارجاع پرونده های حقوقی به وکلای خوشنام (و بقید اولویت جوان) بعنوان رسالت ضروری کانون در مساعدت بحال معیشت وکلا .

هر چند این بسته با اشکالات، موانع، سختیها و عوارضی در عمل مواجه است، اما همچنان که از طرف برخی بزرگان عرصه وکالت پیشنهاد و عرضه شده (مرحوم دکتر غلامرضا طیرانیان) منافعش از ضررهایش بمراتب بیشتر بوده و در تحقق هدف موضوع این یادداشت بمنزله سخن نخست و مفید و مطلوب خواهد بود.